

مثبت را که به صورت دعا و نفرین بر زبان جاری می‌گردد، مشاهده نمود.

در فرهنگ مردم ما، اگر شخصی به کسی آب دهد یا هرگونه نیاز و نذری داشته باشد، برای سپاس و تشکر از او، اجر و ثواب عملش را از امام حسین و حضرت عباس می‌خواهند و می‌گویند:

اجر شما با ابوالفضل! اجر شما با امام حسین! اجر شما با سقای دشت کربلا! اجر شما با سیدالشهدا! الهی آب زمزم (کوثر) نصیب‌تان شود و...؛ بنا به معتقدات شیعیان «آب بهترین چیزی است که می‌توان به رایگان به کسی داد، زیرا این کار تشنگی امام حسین(ع) و یارانش را در میدان کربلا به یاد می‌آورد.»<sup>۲</sup>

سقایی و آب‌رسانی، اگر به ویژه جنبه‌ی خیرخواهانه داشته باشد، بسیار مورد عنایت و توجه ایرانیان است و به همین دلیل عقاید و آداب فراوانی بین مردم رایج می‌باشد. یکی از مهم‌ترین نذرها و خیرات مردم، سقایی است خصوصاً در ایام عاشورا، که مردم بنا به نذری که دارند، اقدام به آب دادن به عزاداران حسینی می‌نمایند. بعضی‌ها منبع آبی در جلوی خانه و محل گذر می‌گذارند. عده‌ای به دسته‌های سینه‌زنی و تکایا رفته، ظرف آب یا مشک حضرت عباس در روز تاسوعا) به دست می‌گیرند و در بین مردم می‌گردند و به آنها آب می‌دهند و با صدای بلند می‌گویند:

آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن

جان را فدای مرقد شاه شهید کن

و عده‌ای نیز در گذشته، بانی ساختن سقاخانه‌ها می‌شدند.

سقایی و آب‌رسانی ایرانیان توسط سیاحان و جهانگردان بیگانه مورد توجه قرار گرفته است. چنان که هانری ماسه در کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» در رابطه با مراسم عزاداری سالار شهیدان نوشته است: «مردی روی سرش مشک‌ی پر از آب حمل می‌کرد و دور و برش کودکانی بودند که لباس اعراب بادیه‌نشین به تن داشتند و قمقمه‌هایی داشتند که به وسیله آنها تشنگان را سیراب می‌کردند.»

اعتقادات مردم کشورمان نسبت به واقعه کربلا و امام حسین از این نیز فراتر می‌رود، تا بدان‌جا که مردم نام فرزندان خویش را بنا به نام سالار شهیدان و یا حضرت عباس تعیین می‌نموده‌اند و آنان را وقف صاحب نام - امام حسین و حضرت عباس - می‌کرده‌اند و آن کودک اگر نامش حسین بود در دسته‌های عزاداری محرم شرکت می‌کرد و یا اگر نامش عباس یا ابوالفضل بود سقایی و آب‌رسانی را در دسته‌های عزاداری برعهده

می‌گرفت در غیر این صورت، آن کودک دیر یا زود کور می‌شد.<sup>۳</sup>

مردم ما معتقدند اگر کسی در خواب ببیند «که بی‌بها آب به مردم می‌دهد خیر او «در» دنیا و آخرت به مردم رسد و جایگاهی خراب «را» آبادان کند.»<sup>۴</sup>

و هم‌چنین عقیده دارند که «اصولاً آب دادن یک وظیفه دینی به شمار می‌رود به همین سبب اگر کسی غروب آفتاب آب بخورد باید اندکی از آن را پشت سر خود بریزد و بگوید مرده‌ها تشنه‌اند.»<sup>۵</sup>

باور دیگر مردم ایران، این است که اگر کسی به آنها ناخواسته آب داد، آن را به فال نیک می‌گیرند، چرا که معتقدند آب نطلبیده مراد است. در این زمینه احمد شاملو در «کتاب کوچه» می‌نویسد: «حتی اگر تشنه هم نباشند از آن آب می‌نوشند و یزید را «به خاطر بستن آب به روی حضرت سیدالشهدا» لعنت می‌کنند و از صدق دل می‌گویند: خدا مراد همه‌ی مسلمانان را برآورده سازد.

بستن آب از سوی یزید و شمر به روی حضرت سیدالشهدا و کشتن آن حضرت و یارانش، در ذهن و روح مردم ما چنان زشت و ناجوانمردانه بود، که می‌گویند شمر تبدیل به سگی چهار چشم شده است و تشنه و لَه له زنان به دنبال آب می‌گردد و به آب نمی‌رسد و هرکجا که رود آب ناپدید می‌شود، مگر آبی که در وسط سفره باشد. در این حالت برکت سفره مانع از ناپدید شدن آب می‌شود و در نتیجه شمر به آب می‌رسد.

مردم در تاسوعا و عاشورا به یاد لب‌های تشنه سیدالشهدا و اصحاب و کودکانش از خوردن آب خودداری می‌نمایند، تا با این عمل ابراز همدردی خویش را با آنان نشان دهند و رنج و مصیبت‌شان را احساس نمایند.

می‌گویند زمانی که حضرت عباس، بعد از شکستن صفوف لشکر یزید و رسیدن به شط فرات «پا از حلقه رکاب خالی کرد و اسب خود را رها نمود تا آب بیاشامد، حیوان زبان بسته آب نمی‌خورد یعنی که تا شما آب ننوشید من آب نمی‌آشامم.»<sup>۶</sup>

ایثار و از جان گذشتگی حضرت عباس(ع) چنان در روحیه مردم ما مؤثر بوده است، که نزد آنان شط فرات و آب قداست دارد و برای آن احترامی خاص قائلند و معتقد به خاصیت شفابخشی آن هستند. به ویژه اگر این آب همراه با خاک تربت حسین بن علی(ع) و حضرت ابوالفضل

# کربلا، فرهنگ مردم و آب

○ محمدعلی محراب‌بیگی



و شیرینی خود را به خاطر حب و علاقه به سیدالشهدا دارند چرا که «دوستی حسین (ع) را بر همه آب‌های عالم عرضه کردند، هر آب که قبول کرد شیرین شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد». و حتی دریاها به صدای شیون و ندبه مادر سیدالشهدا، خروشان و مواج می‌شوند چنان که اگر فرشتگان و ملائکه از طغیان آن جلوگیری ننمایند، عالم غرق خواهد شد.<sup>۱</sup> این نوع بینش دلیل اهمیت آب در افکار و اذهان مردم ماست. مردمی که پس از نوشیدن آب، به یاد لب تشنه‌ی سالار شهیدان و سقای آن حضرت، عبارات:

«سلام الله علی الحسین، یا سقای تشنه‌لبان، سلام بر حسین، قربان لب تشنه‌ات یا حسین، یا سقای تشنه‌لبان» به کار می‌برند و بر دشمنان آن حضرت لعن و نفرین می‌فرستند، دعا و نفرینی که جلوه‌ای بارز در فرهنگ مردم و تجلی صفات نیک و بد است و به خوبی می‌توان اعمال منفی و

شاید هیچ واقعه‌ی تاریخی - مذهبی به اندازه‌ی حادثه‌ی کربلا در روحیه مذهبی مردم ایران تأثیر نگذاشته و آنان را به ائمه اطهار و دین نزدیک نموده است.

این رخداد در گفتار، رفتار، اعمال، اشعار، معماری، موسیقی، نمایش، نقاشی، ضرب‌المثل‌ها، عقاید، رسوم، سنن و در یک کلام فرهنگ مردم به خوبی متجلی و چنان بارز و نمایان است که با نگاهی به اطراف خویش به خوبی می‌توانیم آن را مشاهده نماییم و اگر نظری به سیر حماسه کربلا بیندازیم، خواهیم دید که یکی از حوادث مهم آن که از همه چشمگیرتر و تأثیر بسیار زیادی بر عقاید و رسوم مردم گذاشته است، همان بستن آب بر روی اصحاب سیدالشهدا است.

مردم ما معتقد به فراگیر و جهان شمول بودن قداست و اهمیت آب در واقعه‌ی کربلا می‌باشند و حتی معتقدند که تمام آب‌های جهان، شوری



○ تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل  
○ حسین سلطان زاده  
○ دفتر پژوهش‌های فرهنگی

ایجاد باغ‌های ایرانی همواره با هدف به وجود آوردن و حفظ بخشی از طبیعت حیات‌بخش بوده است. تفکر و عبادت در برابر مکانی مرکب از درخت و گیاه و آب بی‌شک از طریق طبیعت و به دنبال آن تمثیل بهشت، مسیری است جاویدان برای پرورش روح و عروج انسان.

در بعضی از منابع از جمله آنچه در کتاب «از زبان داریوش» آمده است واژه پَردَیذَه، واژه‌ای است که از فارسی باستان به زبان یونانی و آلمانی راه پیدا کرده و به صورت پارادیس به کار می‌رفته است. پارادیس به معنای فضای محصور و باغ بوده و واژه‌های پردیس و فردوس نیز از همین کلمه گرفته شده‌اند. در پاسارگاد و تخت‌جمشید آثاری به دست آمده که نشان می‌دهد در پیرامون و اطراف مجموعه‌ها و شهرهای هخامنشی باغ‌هایی وجود داشته است.

همچنین در لوح‌های دیوانی ایلامی در تخت‌جمشید به برخی از باغ‌ها اشاره آمده است که یونانیان و اروپاییان باغ و بستان دست ساخت نداشته‌اند و یونانیان با باغ در ایران آشنا شدند و نام آن را پردایزس نام نهادند و اسپانیایی‌ها نیز تنها هنگامی که کشورشان توسط مسلمانان فتح شد با باغ ایرانی آشنا شدند. تیمور زمانی که به ایران حمله می‌کند با دیدن باغ‌های ایرانی شگفت زده می‌شود و در بازگشت به سمرقند به مانند آن باغ‌ها (چهارباغ شیراز) در نزدیکی آنجا به پا می‌کند. فرهنگ عرب نیز نتوانست در زمان تسلط بر ایران شکافی در باغ‌آرایی باغ‌های ایرانی ایجاد کند، اما توانست با گسترش نفوذ خود، هنر باغ‌آرایی را تا سرزمین‌های دوردست از شبه‌قاره‌ی هند گرفته تا اسپانیا گسترش دهد.

غزنویان و سلجوقیان نیز در ساختن باغ و روانه کردن آب در آن بسیار ماهر بودند. از جمله باغ اتابک و باغ فیروزی در شیراز نمونه‌هایی است از باغ‌های دوره اتابکان فارس. در دوره صفویه نیز باغ‌سازی رونق خود را داشته است و باغ‌های زیبایی به وسیله‌ی شاهان صفوی در ایران ایجاد شد از جمله باغ «خلد برین» که با زیبایی بی‌نظیر در این دوره برپا می‌شود.

«تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل» ضمن بررسی باغ ایرانی، به تاج محل که از معروف‌ترین مجموعه‌های فرهنگ اسلامی در دوره گورکانیان است و طراحی آن در تداوم طراحی باغ‌ها و مزارهای ایرانی متأثر از معماری ایران صورت گرفته است می‌پردازد. نویسنده اشاره می‌کند که: تاج محل نوعی باغ-مزار است، یعنی مزار یا آرامگاهی که فضای آن با یک باغ تلفیق شده است و نحوه ترکیب این فضا، به گونه‌ای است که در محدوده کنونی ایران نمونه‌ای همچون آن وجود ندارد، اما همان طور که از اظهار پژوهشگران برمی‌آید، طراحی آن براساس الگوهای طراحی معماری ایرانی استوار بوده است. این سخن درست است، چرا که تاج محل به عنوان یک باغ - مزار در تداوم فرهنگ طراحی و معماری ایرانی ساخته شده و چنین فضایی پیش از ورود مسلمانان به هند، در آنجا وجود نداشته است.

نویسنده برای نشان دادن خاستگاه و پیشینه‌ی سنت طراحی و ساختن باغ-مزار و همچنین برخی از الگوهای طراحی باغ‌های ایرانی که در طراحی تاج محل مورد استفاده قرار گرفته است، به بررسی بعضی از خصوصیات باغ ایرانی پرداخته و سپس ویژگی‌های تاج محل را معرفی می‌کند.

العباس باشد، که به آن «آب تربت» می‌گویند. احمد شاملو در کتاب کوچه به نقل از علی بلوکباشی می‌نویسد: «آب تربت، آبی است که از شط فرات برداشته شده و با اندکی از خاک متبرک اطراف حرم امام حسین آمیخته شده است، این آب را برای تبرک و دوری از هرگونه گزند و بلا می‌آشامند».

اعتقاد به آب تربت در واقع ریشه در همان اعتقاد به معجزه و کرامات ائمه اطهار دارد. آنان که با اتصال به خداوند قادر به شفا بخشی هستند و حتی خاک مرقد آنان به لطف اینکه در برگرفته‌ی جسم مطهرشان و آغشته به خون پاک آنان می‌باشد، قدرت شفادهی دارد.

برخی از مردم، برای ثواب و خیر، در روز اول ماه محرم، خوردن تربت سیدالشهداء را ثواب می‌دانند<sup>۱</sup> و حتی بعضی از افراد، با آب تربت توسط انگشت دست، دو خط متقاطع بر روی شکم زنی که درد زایمان دارد می‌کشند. زیرا معتقدند که آب تربت درد زایمان را کم می‌کند و باعث سهولت در زایمان می‌شود.<sup>۲</sup> در بعضی از مناطق ایران اعتقاد بر این است که وقتی باران بسیار زیادی می‌بارد، اگر مقداری از تربت کربلا را بر پشت بام بریزند، باران بند خواهد آمد.<sup>۳</sup>

آب تربت را همچنین، در دهان شخصی که در حال احتضار است می‌ریزند و عقیده دارند که خاصیت شفا بخشی و معجزه دارد، و اگر آن شخص خوب نشود، جان دادن او را آسان می‌کند و گناهانش بخشیده می‌شود و به خاطر حرمت آب تربت، شیطان به جنازه‌ی شخص نزدیک نمی‌گردد و نکیر و منکر به شخص متوفی احترام می‌گذارند و با او خوش رفتاری می‌نمایند.

#### پی‌نوشت:

۱. شاملو، احمد. کتاب کوچه. تهران، مازیار، ج ۳، ص ۷۱۲، به نقل از حاج ملا اسماعیل سبزواری در کتاب ملائکه، ص ۱۴۲ (نقل به معنی).
۲. ماسه، هانری، معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز ۱۳۵۵، ص ۳، ۴.
۳. همان مأخذ ص ۴۸.
۴. شاملو، احمد همان، ج ۳، ص ۸۷۸.
۵. ماسه، هانری، همان. ص ۴۰۲.
۶. این مطلب در کتاب نیرنگستان، اثر صادق هدایت، کتاب کوچه نوشته احمد شاملو و کتاب معتقدات و آداب ایرانی، نوشته هانری ماسه، ایرانشهر درج شده است.
۷. شکورزاده، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان. تهران، سروش، ۱۳۶۳، ص ۵۰.
۸. هدایت، صادق، نیرنگستان، تهران، جاویدان، ص ۸۲. (نقل به معنی).
۹. ماسه، هنری. معتقدات و آداب ایرانی، احمد شاملو کتاب کوچه.
۱۰. ایرانشهر، کمیسیون ملی یونسکو، ج ۱، ص ۲۱۱. (نقل به معنی).
۱۱. این موضوع در منابع زیر ذکر شده است:  
الف) ایرانشهر. همان ص ۲۰۰  
ب) شاملو، احمد. همان ج ۱. ص ۱۱۰.  
ج) شکورزاده بلوری، ابراهیم. همان. تهران، سروش، ۱۳۶۳.  
د) دایرةالمعارف سرزمین و مردم ایران، ص ۳۴.  
ه) کتاب هفته، ۲۹ مهر ۱۳۷۴، ص ۱۸۷.